



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه‌ی عناصر مکتب سوررئالیسم در غزل‌های بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری

استاد راهنما:

دکتر بیژن ظهیری ناو

استاد مشاور:

دکتر حسین نوین

پژوهشگر:

الهام خداپناهی

تابستان ۱۳۹۶



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه‌ی عناصر مکتب سوررئالیسم در غزل‌های بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری

پژوهشگر:

الهام خداپناهی

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی عالی

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران	دانشیار	بیژن ظهیری ناو
	استاد مشاور	دانشیار	حسین نوین
	داور	دانشیار	خدابخش اسداللهی

شهریور ۱۳۹۶

جامعه علمی ادبیات فارسی و تمامی دستاداران ادب

همچنین ما حاصل آموخته هایم را تقدیم می کنم به

آنان که مهر آسمانی شان، آرام بخش آلام زمینی ام است.

به مرحوم پدرم که استوارترین تکیه گاه و مایه آرامش و قرارم بود؛

به یار خستگی ناپذیرم، مقدس ترین واژه در لغت نامه ی دلم، مادر عزیزم.

که هر چه آموخته ام، در مکتب عشق شما آموخته ام و هر چه بکوشم، قطره ای از دریای بی کران مهربانی تان را

سپاس نتوانم بگویم.

امروز هستی ام به امید شماست و فردا کلید باغ بهشتم، رضای شما.

برگ سبزی گران سنگ تر از این نداشتم تا به خاک پایتان نثار کنم، باشد که حاصل تلاشم نسیم گونه، غبار

خستگی تان را بزداید. بوسه بر دستان پر مهربان.

سپاسگزاری

از استاد گرامی، استاد علم و اخلاق جناب آقای دکتر بیژن **ظهیری ناو** بسیار سپاسگذارم؛ چرا که بدون راهنمایی‌های ایشان نگارش و تنظیم این پایان‌نامه بسیار مشکل می‌نمود. همچنین از استاد دانشمند و فرزانه جناب آقای دکتر **حسین نوین** به دلیل یاری‌ها و راهنمایی‌هایشان کمال قدردانی را دارم. از جناب آقای دکتر **خدابخش اسداللهی** که قبول زحمت کرده و داوری را بر عهده گرفتند سپاسگذارم. در پایان از کلیه کسانی که جهت پیشبرد این پایان‌نامه یاریم کردند، سپاسگذارم.

نام خانوادگی دانشجو: خداپناهی	نام: الهام
عنوان پایان‌نامه: مقایسه‌ی عناصر مکتب سوررئالیسم در غزل‌های بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری	
استاد راهنما: دکتر بیژن ظهیری ناو استاد مشاور: دکتر حسین نوین	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
گرایش: محض	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵ تعداد صفحات: ۹۱
<p>چکیده</p> <p>شباهت سپهری به عبدالقادر بیدل، بیش از دیگران است و این شباهت به گونه‌ای است که شعر سپهری دریای بازخوانی دقیق تأثیرپذیری غیرقابل انکاری را از زبان، محتوا و سوررئالیسم بیدل، نشان می‌دهد سروده‌های سپهری به علت آشنایی او با ادبیات و مکاتب غربی و همچنین علاقه و آشنایی با عرفان شرقی دارای رنگ و بو و سبکی یگانه است. توجه ویژه به عناصر طبیعی و نسبت‌دادن امور غیر عادی به اشیای عادی و گام‌نهادن در فراواقعیت در سراسر منظومه‌های او جاری و ساری است. رویکرد ذهنی و اشراقی سپهری باعث ورود او به تصورناپذیرها شده و شعر او را مملو از جلوه‌های سوررئالیستی کرده است. سبک شعری بیدل نیز در بسیاری مواقع با آثار نویسندگان مکتب سوررئالیسم شباهت پیدا می‌کند. ما نمی‌گوییم که او سوررئالیست است؛ بلکه بارقه‌هایی از اندیشه‌های این مکتب را می‌توان در اشعار او بازیابی کرد. از طرفی دیگر، با توجه به این که سپهری تحت تأثیر ذن بودیسم، شعرهای ویلیام بلیک (انگلیسی)، و سوررئالیسم فرانسه در سلوک شعری‌اش سبکی خاص را آفریده و دنبال کرده است، به نظر می‌رسد که بررسی اشعار او از جنبه‌های سوررئالیستی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند ما را در ارائه دیدگاهی دقیق از اشعار سپهری یاری کند.</p>	
کلید واژه‌ها: مکتب سوررئالیسم، غزل‌های بیدل دهلوی، سهراب سپهری، دیربایی معانی.	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه	۲
۱-۲- بیان مسأله	۲
۱-۲- سؤال‌های پژوهش	۶
۱-۳- فرضیه‌های پژوهش	۶
۱-۴- اهداف پژوهش	۶
۱-۵- ضرورت و اهمیت پژوهش	۶
۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش	۷
۱-۷- روش پژوهش	۸

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

۲-۱- سوررئالیسم	۱۱
۲-۲- مؤلفه‌های سوررئالیسم	۱۴
۲-۲-۱- خواب و رؤیا	۱۵
۲-۲-۲- دیوانگی	۱۵
۲-۲-۳- طنز	۱۶
۲-۲-۴- کشف و شهود به جای خرد	۱۶
۲-۲-۵- لحظه‌ی روانی	۱۷
۲-۲-۶- اشیا و مکان‌های فرا واقعی	۱۷
۲-۲-۷- عشق	۱۷
۲-۲-۸- غبارروبی ادراک	۱۸
۲-۳- اهداف سوررئالیسم	۱۸
۲-۴- سپهری	۱۹
۲-۵- بیدل	Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: بحث و بررسی

- ۱-۳- مقدمه Error! Bookmark not defined.
- ۲-۳- وجوه اشتراک عناصر سوررئال در اشعار سهراب و بیدل دهلوی Error! Bookmark not defined.
- ۳-۳- خواب و رؤیا Error! Bookmark not defined.
- ۴-۳- وهم و کشف، در تقابل با خرد Error! Bookmark not defined.
- ۵-۳- جذبه و جنون و تحذیر Error! Bookmark not defined.
- ۶-۳- امر شگفت Error! Bookmark not defined.
- ۷-۳- ابداع فعل های تازه Error! Bookmark not defined.
- ۸-۳- انقلاب دائم Error! Bookmark not defined.
- ۹-۳- طنز سوررئالیستی Error! Bookmark not defined.
- ۱۰-۳- بازیابی ترس گرانیها Error! Bookmark not defined.
- ۱۱-۳- عشق Error! Bookmark not defined.
- ۱۲-۳- لحظه روانی Error! Bookmark not defined.
- ۱۳-۳- عادت شکنی Error! Bookmark not defined.
- ۱۴-۳- نسبت دادن امر شگفت به اشیاء پیرامون Error! Bookmark not defined.
- ۱۵-۳- وجوه افتراق مولفه های سوررئال در اشعار سهراب و بیدل Error! Bookmark not defined.

فصل چهارم: نتایج و منابع

- ۱-۴- نتیجه گیری Error! Bookmark not defined.
- ۲-۴- منابع و مأخذ Error! Bookmark not defined.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

بیدل دهلوی از بزرگ‌ترین شاعران شبه‌قاره هند است. سبک شعری او در بسیاری مواقع با آثار نویسندگان مکتب سوررئالیسم شباهت پیدا می‌کند. ما نمی‌گوییم که او سوررئالیست است؛ بلکه بارقه‌هایی از اندیشه‌های این مکتب را می‌توان در اشعار او بازیابی کرد. از طرفی دیگر، با توجه به این‌که سپهری تحت تأثیر ذن بودیسم، شعرهای ویلیام بلیک (انگلیسی، و سوررئالیسم فرانسه در سلوک شعری‌اش سبکی خاص را آفریده و دنبال کرده است، به‌نظر می‌رسد که بررسی اشعار او از جنبه‌های سوررئالیستی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند ما را در ارائه دیدگاهی دقیق از اشعار سپهری یاری کند.

در مجموعه‌های نخستین سپهری گاهی طنین صدای نیما شنیده می‌شود، اما در مجموعه‌های بعدی او نظیر صدای پای آب، مسافر، حجم سبز، و ما هیچ ما نگاه هیچ صدایی جز صدای آشنای خود او به‌گوش نمی‌رسد. شاید آشنایی او با اندیشه‌های مکتب سوررئالیسم تشخیص و فردیتی به شعر او بخشیده است.

این پایان‌نامه در چهار فصل تنظیم شده است: فصل اول: کلیات؛ فصل دوم: مفاهیم و چارچوب نظری تحقیق و مطالبی درباره‌ی سوررئالیسم و مؤلفه‌های آن، فصل سوم درباره‌ی مقایسه‌ی عناصر مکتب سوررئالیسم در غزل‌های بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری و فصل چهارم: نتیجه‌گیری و منابعی که در این پژوهش، مورد استفاده قرار گرفته‌است.

۱-۲- بیان مسأله

بی‌گمان شناخت و درک جهان، از دریچه‌ی تنگ عقل و حس ممکن نیست. اگر هم شناختی به دست آید، آن قدر ناچیز است که غیر از فروع جزئیات، چیز دیگری شناخته نمی‌شود. انسان معاصر خواستار رسیدن به واقعیتی است که او را از این تعلقات مادی و دنیوی رها سازد و با نیرویی شگرف و

عظیم او را به معرفت و درکی راستین از هستی برساند.

«اصطلاح «سوررئالیسم» از دو جزء اساسی «سور» به معنی «بر فراز و بالا» و «رئال» به معنی «واقعی» ترکیب یافته است و می‌توان سوررئال را «در ورای واقعیت» ترجمه کرد. واژه‌ی سوررئال را نخستین بار گیوم آپولینز فرانسوی در سال ۱۹۰۳ م. در نمایش‌نامه‌ی خود به نام «سینه‌های تیرزیاس» به کار برد که در سال ۱۹۱۷ م. به اجرا درآمد. (قنبری عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۴۱) «سوررئالیسم از دادائیسیم زاده شد ولی ریشه‌اش را باید در سمبلیسم جست و جو کرد. این جنبش ذاتاً فرانسوی بود و افرادی که نخستین بار این روش را تجربه کردند، نظیر آندره برتون، لویی آراگون، پل الوار و فیلیپ سوپر، همه فرانسوی بودند. سوررئالیسم به زودی دامنه‌اش از شعر به داستان، تئاتر، سینما، نقاشی و پیکرتراشی نیز کشیده شد.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۳۰)

در قرن حاضر، تلاش سوررئالیست‌ها در محدود کردن دریافت‌های عقلی و حسی، مورد توجه عده‌ی زیادی قرار گرفته است. سوررئالیسم روش و مکتبی است که با اندیشه‌ی منطقی و استدلال مخالف است و آن را برای رسیدن به حقیقت کافی نمی‌داند. در زمینه‌ی هنر و ادبیات نیز سوررئالیست‌ها همین عقیده را دارند. «آنان با هر کوششی که قصد آن دادن جنبه‌ی فکر و منطقی به هنر باشد، مخالف‌اند؛ به گفته‌ی دیگر آنان هرگز روا نمی‌دارند که عناصر عقلانی هنر بر عناصر تصویری و تخیلی آن رجحان داده شود.» (پرهام، ۱۳۶۱: ۱۳۶)

هرچند که مکتب ادبی- هنری «سوررئالیسم» در ابتدای قرن بیستم پدیدار شد، اما «پیام و محتوای این جنبش وسیع، از راه‌های مختلف و عناوین متفاوت در طول قرن‌ها بیان شده‌اند.» (موسوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۴۸) مسائلی که سوررئالیسم مطرح می‌کند، دغدغه‌هایی که برمی‌انگیزد، و راه‌حلهایی که ارائه می‌کند، پیش از این در بسیاری از آثار ادبی، فلسفی، دینی و اخلاقی به معنای عام آن و آثار علمی یا شبه علمی مانند کیمیاگری دیده شده‌اند. امروزه نیز به انحای دیگر، همان مسائل یا بخشی از آن‌ها دوباره مطرح‌اند. «سوررئالیسم بالاتر از واقعیت محدود و پذیرفته شده را مطمح نظر خود قرار داده است تا به این وسیله موضوعاتی را وارد ادبیات کند که تا به حال جزء ادبیات نبوده است، مانند رؤیا و تداعی معانی و ترکیب تجربه‌های حاصل از خودآگاه و ناخودآگاه ذهن؛ هنرمند سوررئالیست به خود اجازه می‌دهد که کارش را بدون در نظر گرفتن منطقی و امور منطقی دنبال کند.» (فاطمی قمی، ۱۳۷۹: ۲۳۴)

یکی از جنبه‌هایی که سوررئالیست‌ها بدان توجه دارند، نگارش خود به خود، یعنی «در حالتی که

ذهن از قید و نظارت ذهن بیدار، آزاد شده است. نگارش به خودی خود جلوه می‌نماید». (برتون، ۱۳۹۲:

۲۶)

در کتاب «انسان سمبول‌هایش» یونگ چنین آمده است:

«توجه به این نکته بسیار مهم است. انسان امروز در حقیقت مخلوط عجیبی است از خصایصی که طی قرن‌های طولانی از تحول روانی تحصیل کرده است. این موجود مختلط انسان و سمبول‌هایش است که مورد بحث ماست و ما باید محصولات ذهن او را به دقت بررسی کنیم. در وجود او شکاکیت و اعتقاد علمی، با پیش‌داوری‌های کهنه، عادات منسوخ فکری و احساساتی، سوء تعبیرهای لجوجانه و جهل کورکورانه پهلو به پهلو می‌زنند». (یونگ، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

سپهری در قرار دادن واژگان در کنار هم یا ترکیب آن‌ها با یکدیگر به تداخل ذهن، نه از مقوله‌ی ذهن انسان‌های معمولی، بلکه ذهنی به وسعت طبیعت موفق است؛ و طبیعی است به سر و رمز طبیعت دست یافته است. در نتیجه برای شناخت این قسمت از ذهن او باید لااقل ذهنی داشت که نسیم بیداری بر آن وزیده باشد، و آلا با ساده‌نگری که به آن عادت کرده‌ایم و عادت داده‌ایم، شناخت این روح و هوش برای ذهن نامفهوم است:

من به آغاز زمین نزدیکم

نبض گل‌ها را می‌گیرم

آشنا هستم با سرنوشت تر آب، عادت سبزِ درخت

روح من در جهت تازه‌ی اشیا جاری است

روح من کم سال است

روح من گاهی از شوق سرفه‌اش می‌گیرد.

(سپهری، ۱۳۷۷: ۵۲)

از دیگر شاخصه‌های سوررئال‌ها، توجه و دید نسبت به جهان است. سپهری جهان را یکپارچه، زنده و جاندار می‌بیند. یعنی تمام عناصر جهان با او در حال غمزه‌اند و هر یک زبانی و دنیایی برای او می‌گشایند. به همین جهت است که در اشعار او باغ نور می‌نوشد، و درختی جان می‌گیرد و روشنی می‌خزد، و کوه از خوابی سنگین پر است و . . . تمام تصویرها از این نوع است، آنچه در اصطلاح ادبی تشخیص می‌گوییم منتها در کار سپهری این شخصیت دادن بنا به وظیفه‌ی شعری نیست؛ بلکه بنا بر

طبیعت این اشیاست. یعنی سپهری واقعاً این رمز و راز را حس می کند و با ذهن خود پیوند می زند:

شب ایستاده بود

خیره نگاه او

بر چارچوب پنجره من

سر تا به پای پرسش اما

اندیشناک مانده و خاموش:

شاید از هیچ سو جواب نیاید

شب ایستاده است

خیره نگاه او

بر چارچوب پنجره من

با جنبش است پیکر او گرم یک جدال

بسته است نقش بر تن لب‌هایش.

(سپهری، ۱۳۷۷: ۱۵۵)

بیدل نیز از جمله شاعرانی است که افکار عرفانی با مضامین پیچیده، استعارات، نمادها، و کنایات به هم آمیخته، و خیال‌پردازی و ابداع مضامین تازه با دقت و موشکافی زیادی همراه گردیده که برخی از آن‌ها را می‌توان جزو مؤلفه‌های مکتب سوررئال به حساب آورد؛ در زیر به نمونه از این‌گونه اشعار وی اشاره می‌کنیم:

حسن بی‌رنگی است در هر جا به رنگی جلوه‌گر در دل سنگ آنچه می‌بینی شرر در غنچه بوست

غیر حیرت آبیاری مزرع عشاق نیست چون رگ یاقوت اینجا ریشه در خون نموست

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۶: ۱۵۴)

رنگی از گلزار بی‌رنگی برون جوشیده‌ایم از خرابات پری می می‌کشد مینای ما

(همان: ۵۷)

خیال عالم بی‌رنگ، رنگ‌ها دارد کدام نقش که تصویر بال عنقا نیست؟

(همان: ۱۳۴)

بیدل در اشعار فوق «خدا» را با نماد بی‌رنگی، و «عدم» را با نماد سیاهی توصیف می‌کند؛ بیدل

این هر دو را با نماد «عنقا» می‌آورد. در نگاه بیدل، عدم همان خداست و برعکس، در نتیجه بی‌رنگی و سیاهی در شعرش به هم گره می‌خورند.

۱-۲- سؤال‌های پژوهش

- ۱- مؤلفه‌ها و عناصر مکتب سوررئالیسم در غزلیات بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری کدام‌اند؟
- ۲- پس از بررسی آثار مورد نظر از دیدگاه سوررئالیستی، کدام یک از آن‌ها را می‌توان صرفاً سوررئالیستی دانست؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بیشترین مؤلفه‌های سوررئالیسم که در غزلیات بیدل دهلوی و اشعار سهراب به چشم می‌خورد، عبارتند از: ایجاد تصاویر پارادوکسی، استفاده از زبان پیچیده و مبهم، آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی نحوی، گریز از وزن و قافیه در شعر و ... ، باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد جنبه‌های سوررئالیستی در اشعار سهراب بیشتر از غزلیات بیدل دهلوی است.

۱-۴- اهداف پژوهش

- ۱- بررسی مؤلفه‌ها و عناصر مکتب سوررئالیسم در غزلیات بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری.
- ۲- بررسی اینکه اشعار کدام یک از دو شاعر مذکور با مؤلفه‌های مکتب سوررئال مطابقت بیشتری دارند.

۱-۵- ضرورت و اهمیت پژوهش

شناخت مؤلفه‌های سوررئالیستی آثار نویسندگان برجسته ازسویی دلیل رویکرد آن‌ها را به این مکتب روشن می‌کند و از سوی دیگر برخی از زیبایی‌ها و ویژگی‌های خاص ساختاری آثار آن‌ها را آشکار می‌سازد. در این پژوهش برآنیم که با چنین رویکردی به بررسی مشخصه‌های سوررئالیستی آثار دو تن از برجسته‌ترین شاعران ایرانی پردازیم. ضرورت آن هم، روشن شدن این موضوع است که این شاعران تا چه حد از دستاوردهای مکتب فوق استفاده کرده‌اند. در این پایان‌نامه، ابتدا سوررئالیسم که از سال ۱۹۲۴م. توسط برتون و یارانش به وجود آمد، مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس به بیان سوررئالیسم که در تمام

فرهنگ‌ها و ملل ردپایی از آن را می‌توان یافت، در غزلیات بیدل دهلوی و اشعار سهراب سپهری می‌پردازیم.

۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون تحقیقات گوناگونی در حوزه‌ی سوررئالیسم در ادبیات و آثار ادب فارسی صورت گرفته و هر کدام از منظری به این مسأله توجه کرده‌اند که به بررسی برخی از عناصر این مکتب ادبی پرداخته شده که در زیر بدان اشاره می‌کنیم:

- نقی شیخی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «بررسی عناصر سوررئال در غزلیات بیدل دهلوی» تلاش کرده است تا با نگاهی گذرا به نظریه‌های مکتب سوررئالیسم و مقایسه‌ی آن‌ها با غزل بیدل، وجود شباهت‌هایی را بین این دو اثبات کند. وی دلیل این تشابه را در اشتراک در نظریه‌ی شعری، نوع جهان‌بینی و معرفت‌شناسی بیان کرده است و در ادامه بدین نتیجه رسیده است که: «اما باید توجه داشت که این تشابهات تطابق عین‌به‌عین ندارند و در دل خود تفاوت‌هایی را در سطح جهان‌بینی و معرفت‌شناسی آشکار می‌سازند. از طرفی دیگر، محوریت خدا در اندیشه‌ی بیدل و در مقابل آن، انسان‌محوری سوررئالیسم مهم‌ترین نوع تفاوت این دو را آشکار می‌ند. تفاوتی که به عملکردهای متضاد و متباین منجر می‌شود و معرفت‌شناسی شاعر سوررئالیست را در مرحله‌ی حیرت (امر شگفت) متوقف و بیدل را به مرحله‌ی عجز و یأس رهنمون می‌کنند». (نقی شیخی، ۱۳۹۳: ۱)

البته باید اضافه نمود که برخی از محققان حوزه‌ی ادب و ادبیات در برخی از مقالات و یا پایان‌نامه‌ها خواه ناخواه به بررسی برخی از جنبه‌های مکتب سوررئالیسم پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- احمدی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ی «نقد و بررسی محتوایی (نکات) بیدل و انعکاس آن در صد غزل وی» خواسته است تا با تبیین اندیشه‌ها و سبک شعری بیدل مخاطب را در ورود به دنیای پررمز و راز شعری وی یاری کند و یکی از راه‌های رسیدن به این مهم را نقد و تحلیل آثار منشور دانسته است. وی همچنین اندیشه‌ها و مضامین موجود در اشعار بیدل را بر اساس موضوع، تفکیک و دسته‌بندی کرده است. در نهایت مفاهیم استخراج‌شده را در ذیل پنج عنوان کلی شریعت، طریقت، اخلاق و رفتار اجتماعی، انسان و عالم، که هر کدام نیز دارای زیر مجموعه‌هایی می‌باشند، مورد

بررسی قرار داده است. در پایان به این نتیجه رسیده است که «اندیشه‌های اصلی «نکات» را باورها و اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی بیدل تشکیل می‌دهد ... به‌گونه‌ای که می‌توان ردپای اندیشه‌های موجود در غزلیات را در «نکات» جستجو کرد. نکته‌ی دیگر که از وجوه افتراق این دو به شمار می‌آید، این است که بیدل در غزلیات علاوه بر ابزارهای بیانی و زبانی، از تجربیات، عواطف و احساسات شخصی در انتقال مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی سود جسته است؛ اما از آنجا که «نکات» عصاره و چکیده‌ی عقاید، باورها و قوانین مکتب عرفانی اوست، در آنجا مجالی برای انعکاس این احساسات و تجربیات نبوده است». (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۸)

- شوبکلانی (۱۳۹۳) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی عرفان وحدت وجودی ابن عربی در غزلیات و رباعیات بیدل دهلوی» خواسته است تا به بررسی اشعار بیدل از منظر وحدت وجود بپردازد. وی می‌گوید: «بیدل در غزلیات و رباعیات به نحو بارز و گسترده‌ای از موضوعات و مؤلفه‌های عرفان وحدت وجودی سخن گفته و به تحلیل و تفسیر خدا، انسان، جهان و رابطه‌ی این‌ها بر اساس مبانی این مکتب پرداخته است. موضوعاتی چون وحدت وجود، وحدت ادیان، خلقت و نظام آن، ظهور و تجلی الهی، تجدّد خلق، انسان، انسان کامل و پارادوکس‌های مطرح در این مکتب مثل: وجود و عدم، تشبیه و تنزیه، ظاهر و باطن، وحدت و کثرت و ... در غزلیات و رباعیات بیدل مطرح است.» (شوبکلانی، ۱۳۹۳: ۱)

- اسمعیلی‌پور لوکلایه (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «سهراب تصویرگر (بررسی تصویر سوررئالیستی در هشت کتاب سهراب سپهری» به بررسی تصویرهای سوررئالیستی در هشت کتاب سهراب سپهری پرداخته است. وی برای این مقصود نگارنده‌ی خواهد اثبات کند که تصاویر شعری سپهری تا چه اندازه سوررئالیستی است. ابتدا در مبحث تصاویر سوررئالیستی، ضمن بحث در مورد مشخصه‌هایی چون: نگارش خودکار، خواب و رویا، تعطیل کردن عقل و ... بیان می‌کند که سپهری ارائه‌دهنده‌ی نمونه‌های تمام‌عیار تصویرهای سوررئالیستی است.

۱-۷- روش پژوهش

نگارنده‌ی این پژوهش در بررسی و پژوهش خود، از روش تحلیل محتوا مدد جسته و به صورت تصادفی برخی غزلیات بیدل دهلوی را با چهار مجموعه‌ی آخر سهراب سپهری که به نوعی با مؤلفه‌های

سبک سوررئالیسم در ارتباطند، برشمرده است. به دیگر بیان با آوردن نمونه اشعاری از هر دو شاعر، در نهایت ایجاز، به معرفی و تبیین سبک و سیاق ادبی و عمق بصیرت و ژرفای مضامین آنها در رابطه با این عناصر پرداخته است؛ لذا روش پژوهش در تحقیق حاضر از نوع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. بدین صورت که ابتدا با مراجعه به متون و منابع مرتبط با موضوع، به فیش برداری می‌پردازیم. سپس به تجزیه و تحلیل فیش‌های گردآوری شده پرداخته و در نهایت به تدوین آنها خواهیم پرداخت.

فصل دوم

مبانی نظری پژوهش

۲-۱- سوررئالیسم

سوررئالیسم مانند هر جنبش دیگری به طور ناگهانی شروع نشد. می‌توان گفت از نخستین روزهایی که انسان به آفرینش هنری پرداخته، همیشه در بسیاری از آفریده‌ها او کیفیت غریبی وجود داشت که همه را مسحور می‌کرده و در عین حال هرگز کاملاً قابل توضیح نبوده است. «می‌توان گفت این کیفیت، ظاهر شدن تخیلات و توهمات بی‌نام و نشان هنرمند در اثرش و بر کنار شدن منطق متعارفی با عقل سلیم و میدان یافتن نوعی بی‌منطقی یا تمایلات نامعقول است که از اعماق ضمیر تاریک انسان سرچشمه می‌گیرد». (حسنی، ۱۳۷۴: ۵۳۹)

از نظر اندیشمندان، قرن بیستم قرن سعادت بشر بود اما ظهور جنگ جهانی اول، ثابت کرد که هنوز جامعه بشری با سعادت حقیقی، قرن‌ها فاصله دارد. این عصر عصر ناامیدی بود؛ چرا که قول جامعه با فعلش یکی نبود؛ همه دم از صلح می‌زدند اما تدارک جنگ می‌دیدند. این جنگ باعث یأس انسان‌ها شد. (رزاق پور و طهوری، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

این آشفتگی فکری باعث شد تا همه اخلاقیات، افکار و عقاید منطقی، عقلی و آرمانی از بین برود و همین امر، حس انتقام را در نسل جوان برانگیخت که منجر به پیدایش مکتب تخریبی دادائیسیم گردید. «جنگ علاوه بر خسارت‌های مادی و جانی، همیشه صدمات جبران‌ناپذیر روحی در پی دارد. این شرایط مردم را به فکر انداخت که با صرف نظر از حکومت‌ها و خدماتشان، خود به دنبال مأمنی برای زندگی باشند». (مشتاق مهر و دستمالچی، ۱۳۸۹: ۱۹۱).

دادائیسیم، که مقدمه سوررئالیسم محسوب می‌شود، در بطن خرابی‌های ناشی از جنگ زاده شد که پوچی و ویرانگری همه قوانین، پیکره آن را تشکیل می‌داد. (همان: ۱۸۶).

مکتب دادائیسیم روشی ضد هنری داشت و واکنشی عصیان‌گرانه در برابر هر نهاد و بنیاد و سنت بود اما بعد از مدتی به دنبال اختلافات اساسی بر سر انکار کامل هنر، عده‌ای از جمله آندره برتون و لویی آراگون از این جنبش فاصله گرفتند و مکتب عالمانه‌ای به نام سوررئالیسم بنیان نهادند. (رزاق پور و

طهوری، ۱۹۷-۱۹۶). «دادا لحظه‌ی اساسی ما قبل تولد سوررئالیسم بود» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۷۸۵). هانس ریشتر می‌گوید سوررئالیسم «کاملاً مجهز و زنده از گوش چپ دادا بیرون پرید و یکشنبه‌ی دادائیس‌ها = سوررئالیست‌ها را پدید آورد» (بیگزبی، ۱۳۷۵: ۵۷).

آندره برتون پی برد دادا مثل دروازه‌ای است که به دالان حلقوی باز می‌شود. سوررئالیست‌ها راهی برای خروج از این بن بست پیشنهاد کردند. (همان: ۷۳).

واژه‌ی سوررئالیسم نخستین بار در نمایشنامه «عبث‌نما»ی آپولینر به نام سینه‌های تیره زیاس ظاهر شد که در سال ۱۹۰۳ نگارش یافت و در سال ۱۹۱۷ به روی صحنه رفت. (همان: ۵۶). پیش‌تازان جنبش سوررئالیسم، آندره برتون ولویی آراگون، که هر دو در رشته پزشکی تحصیل کرده، در طول جنگ جهانی اول در بیمارستان‌ها به خدمت مشغول بوده و با بیماران روانی سر و کار پیدا کرده بودند، تحت تأثیر نظریه‌های فروید قرار گرفتند. فروید سعی داشت تا از طریق تحلیل و تفسیر رؤیاها و پراکنده‌گویی افراد، راهی به ضمیر ناخودآگاه بیماران باز کند و بهبودشان را میسر سازد، سوررئالیست‌ها برداشتی متفاوت از اهمیت کاوش در ضمیر ناخودآگاه و درک تمایلات نهفته‌ی هر فرد، و نیز با نیتی کاملاً متمایز، پژوهش‌های روانکاو اتریشی را اساس کار خود قرار دادند. (قودیمی، ۱۳۸۷: ۳۲).

هربرت رید معتقد است که «بی وجود زیگموند فروید سوررئالیسم هرگز به صورت امروزی خود وجود نمی‌داشت. فروید بنیان‌گذار واقعی این مکتب است. (فاطمی، ۱۳۵۷: ۳۸۵).

در سال ۱۹۱۹ برتون و سوپر بخش اول میدان‌های مغناطیسی را منتشر کردند. این اثر که کاملش در سال ۱۹۲۰ منتشر شد، اکنون می‌توان نخستین متن سوررئالیستی واقعی به شمار آورد. (بیگزبی، ۱۳۷۵: ۵۷).

سوررئالیسم یکی از نهضت‌های مهم فکری ادبی و هنری قرن بیستم است که در حوالی سال ۱۹۲۰ / ۱۲۹۹ در فرانسه به رهبری آندره برتون پدید آمد. بنیانگذاران سوررئالیسم از یک سو متأثر از جنبش دادا یا دادائیس‌م بودند که سعی می‌کردند تا ادبیات را از اسارت عقل و منطق و زبان آزاد کنند و از سوی دیگر از رمانتیس‌م قرن نوزده تأثیر می‌پذیرفتند. (قویمی، ۱۳۸۷: ۳۲). افرادی که نخستین بار این روش را تجربه کردند، نظیر آندره برتون، لویی آراگون، پلی الوار و فیلیپ سوپر همه فرانسوی بودند. سوررئالیسم به زودی دامنه‌اش از شعر به داستان، تئاتر، سینما، نقاشی و پیکرتراشی نیز کشیده شد. (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۳۰). آندره برتون و دوستان او اخلاف مستقیم نسل شاعران هرمتسی و برومته‌ای هستند

که با فروال و بودلر آغاز شدند و با ملارمه، رمبو، لوتره آمون، ژاری، آپولینر و روسل و هنرمندانی مانند پیکاسو، دوشان، پیکابیا و ... ادامه یافتند اینان همه عصیان‌کنندگان بر شرایط روزمره زندگی بودند و امید داشتند که چهره زندگی را با جادوی شعر تغییر دهند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۸۴)

برای کسی که از بیرون ناظر است سوررئالیسم هیولائی شگرف و نامعقول است؛ اما برای کسی که توانسته باشد وارد آن شود، خارق‌العاده‌ترین کشف و شهود انسانی است. اولی گمان می‌کند که انحصار عقل سلیم را دارد؛ اما دومی از ورود در دنیاهای نامکشوف «فرا واقعیت»، یعنی نه در «غیرواقعی»، بلکه در «قلب واقعیت» سرمست می‌شود. (همان: ۷۸۲)

سوررئالیسم چیزی نیست مگر آزادی مطلق وهم و خیال و برکناری منطق و عقل از جریان آفرینش هنری. ماکس ارنست نقاش آلمانی و از پیشتازان سوررئالیسم می‌گوید:

«در اثری که شایسته‌ی آن باشد که سوررئالیستی محض نامیده شود، جایی برای انضباط آگاهانه‌ی عقلانی و ذوق و اراده وجود ندارد. بنابراین سوررئالیسم مطابق تعریف خود سوررئالیست‌ها، عبارت است از حذف کردن ذهن هشیار از جریان آفرینش هنری و سپردن این جریان به دست ذهن ناهشیار. (حسینی، ۱۳۷۴: ۵۴۰)

سقراط می‌گوید:

«همه شاعران خوب، اعم از حماسه‌سرای و غزل‌سرای، اشعار زیبایشان را نه به کمک هنر بلکه به کمک الهام و جذب می‌سرایند» (همان: ۵۴۱). آندره برتون پیشوای سوررئالیسم و شاعر بزرگ فرانسه می‌گوید: «عمیق‌ترین احساسات شخصی هنگامی به تمام معنا تجلی می‌کند که تصورات وهمی، همه چیز را رهنمون گردد و اختیار از دست برهان و منطق چوبین انسانی بیرون شود» (همان: ۵۴۱).

بیشتر آثار سوررئالیست‌ها به صورت شعر است نه نثر؛ زیرا با تکیه‌گاه‌هایی که آنان برای آفرینش ادبی داشتند، نثر تاب تحمل آن را نداشت. سوررئالیست‌ها می‌گفتند: «شعر رکن اساسی زندگی است و می‌تواند مشکل حیات را حل کند» (قنبری عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

در دیدگاه سوررئالیست‌ها، فرد قادر نیست همه حقایق را درک کند. بنابراین آنان با اتکای به قدرت شهود با هرگونه عقلایی کردن، یعنی برتری دادن به عناصر عقلی در برابر عناصر تخیلی، مخالفند. (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۵۲). «هر چند که سوررئالیست‌ها موفق به تحقق کامل رؤیاهایشان نشدند، با این حال، همین امر که با تخریب عقاید، زمان و فرهنگ گذشته و از میان بردن قید و بندهای دستوری و تصویرسازی شعر

کلاسیک، راهی نو برای خودآگاهی بشر گشودند در خور تأمل و توجه است.» (موسوی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

عقاید شاعران سوررئالیست بیشتر بر اساس فکر جذبه‌ای و نشئه‌ی الهام است، لیکن به طرزى اغراق‌آمیز. به همین دلیل وقتی اصول پیشنهادی این شاعران را در بررسی اشعارشان به کار می‌بریم می‌بینیم که آن‌ها خودشان نیز از عهده‌ی تحقق بخشیدن به اصول خود در لباس شعر برنیامده‌اند، اصولاً شعری که براساس طرد کامل منطق نوشته شده باشد، وجود ندارد چرا که ذهن ناخودآگاه انسان نیز دارای منطقی ویژه و ساختارمند است. (حسنی، ۱۳۷۴: ۵۴۸).

مکتب سوررئالیسم هنرمندان صاحب نامی را از سراسر گیتی تحت نفوذ خود درآورده است؛ هنرمندانی که هرکدام به عنوان یکی از شاخصان جامعه‌ی هنری سرزمین خود تلقی می‌گردند و طرفداران بی‌شماری برگرد خویش جمع می‌آورند؛ هنرمندانی که برای مدتی طولانی و پاره‌ای برای کوتاه مدت، ضمیر ناخودآگاه خود را مورد یورش قرار می‌دادند. (ابراهیم، ۱۳۶۶: ۱۱۶).

۲-۲- مؤلفه‌های سوررئالیسم

اصول و مؤلفه‌هایی که سوررئالیست‌ها برای هنر خود استفاده کردند به شرح زیر است:

برتون پی برد که دائماً در ضمیر پنهان گفتاری شکل می‌گیرد که کافی است به آن توجه کنیم تا بتوانیم آن را ثابت کنیم و در این صورت است که می‌توان پی برد به اینکه گفتار آگاه روزمره فقط حجابی است بر جریان درونی‌ترین اندیشه‌ی سرکوب شده است. «نگارش خودکار، بی‌توجهی به عالم بیرون را ایجاد می‌کند و در نتیجه، این نگارش از هرگونه وابستگی به اندیشه، منطق، اخلاق در زیباشناختی به دور است.» (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۲۹ و ۸۲۷). این نوع نگارش همان نگارش غیر ارادی بدون برنامه‌ریزی و حساب نشده است که از اجبار و اکراه‌های عقل ناظر و مراقب و فکر انتقادی و قواعد و قراردادهای آن می‌گریزد. (آدونیس، ۱۳۸۵: ۱۵۹). نگارش خودکار، تمرینی است که باعث از میان برداشتن حجاب عقل می‌شود و نیروهای گمشده زندگی روانی را کشف می‌کند؛ چرا که هم سرعت فکر و هم آزادی آن را تأمین می‌کند. (رزاق‌پور و طهوری، ۱۳۸۹: ۱۹۷). «تصویرهای سوررئالیستی مانند تصویرهای افیونی است که شخص در انصار آن‌ها هیچ اراده‌ای ندارد. آن‌ها بی‌اختیار و ظالمانه می‌آیند. شخص را از آن‌ها گریزی نیست؛ زیرا در آن حالت اراده تعطیل است و قوای ذهنی از کنترل شخص خارج‌اند» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

۳۱۰). فقط با نگارش خودکار که توأم با سرگردانی است می‌توان از جهانی که مبهم و شگفت‌آور است، پرده برداشت. زیرا این نگارش نیز به همان جهان تعلق دارد. موج‌هایی از صورت‌های اشراقی وجود دارد که در برابر معیارهای عقل و منطق رام نمی‌شود و واقعیت در آن به رؤیا بدل می‌شود. (ادونیس، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

۲-۲-۱- خواب و رؤیا

سوررئالیست‌ها برای حل مسائل اساسی زندگی از رؤیا کمک می‌گیرند؛ چرا که در عالم رؤیا همه چیز سهل به نظر می‌آید؛ و هر کاری امکان‌پذیر است. در این عالم، عجیب‌ترین حوادث، در ذهن تداعی می‌شود؛ بدون این که امکان عقل و منطق، محدودیتی برای آن ایجاد کند. (رزاق پور و طهوری، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

ژواردونروال که آندره برتون درباره‌ی او گفت:

«وی به عالی‌ترین وضعی دارای روح سوررئالیسم بوده» در همه آثارش اظهار می‌دارد که قلمرو خیال واقعیتی برابر با واقعیت عالم بیداری دارد. به عقیده او رؤیا به آدمی اجازه می‌دهد که در خود نفوذ کند و به «معرفت متعالی» دست یابد. اما نمی‌تواند به جادوی آن دست یابد مگر اینکه نخست، خود را به «دوزخی‌ترین صورتی ضایع کند». (حسینی، ۱۳۸۲: ۸۳۷).

«ورود به ساحت بی‌نهایت رؤیا و ناخودآگاه، حیرت‌افزاست. زیرا عرصه‌ی مطلق و جهان بی‌شکل و رنگ است. یک پیشروی مستمر در آغاز بی‌پایان و پایان بی‌آغاز است. رهایی در ماورای محدود و لایتناهی است. در این پیشروی به «جانب بی‌جانبی و به سوی بی‌سویی» شاعر باید هر لحظه تازه شود، و به خلق واقعیت تازه‌تری برخیزد، از این رو نوشوندگی و تازگی مفرط، خصلت هنرمند سوررئالیست است. او باید هر لحظه آماده‌ی پریدن از مجهولی به مجهولی و از فضایی به فضای دیگر باشد. این پرش‌های مداوم، حرکتی انقلابی و پویا را در پی دارد. بنابراین زبانش ویران‌کننده‌ی همه رابطه‌ها و سنت‌ها و عادت‌های معمول است.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۰۶).

۲-۲-۲- دیوانگی

آندره برتون در مورد دیوانگان می‌گوید که:

«آنان در تخیل خویش از آرامش زیادی برخوردارند» و «از هزیان گویی‌های خویش به قدر کافی لذت می‌برند و تحمل می‌کنند که این هزیان فقط برای خودشان ارزش داشته باشد». باید دیوانگان را

آدم‌های سرکشی دید شیفته اینکه جهان درون خویشان را تا حد اعلا رشد دهند بی‌آنکه توجهی به ضروریات روزمره داشته باشند. اما دنیای آن‌ها برای خودشان همان قاطعیت را دارد که دنیای عادی برای ما. (حسینی، ۱۳۸۲: ۸۴۱ - ۸۴۰).

دیوانگان در عالم وهم و رؤیا سیر می‌کنند و به همین دلیل می‌توانند دیدگاه‌های تازه‌ای را به روی ما بکشایند. در اصل دیوانگی اولین قدم به سوی بالاترین آزادی‌هاست؛ چرا که اجبارهای عقل سلیم رهاست. در حقیقت، دیوانگی نقطه‌ی پایان اندیشه و بالاترین عصیان‌هاست؛ عصیان در برابر سازش با دنیای واقع. (رزاق پور و طهوری، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

۲-۲-۳- طنز

از نظر هنرمند سوررئال حقارت‌ها و پوچی‌های دنیائی که هستی در آن جریان دارد، در نظر کسی که به دنبال آرزوی لایتناهی است، خنده دار جلوه می‌کند. از نظر آنان خنده بهترین سلاحی است که می‌تواند هرگونه پوچی و ریا و حقارت را از هم بدرد و همین نیشخندهاست که می‌تواند انسان را از قید و بندهای اجتماعی رها سازد و به ضمیر پنهان رهنمون کند. در اصل طنز نوعی بی‌علاقگی به واقعیت خارجی را ایجاب می‌کند و طغیانی برای مقابله با عقاید و رسوم رایج است. (حسینی، ۱۳۸۲: ۸۱۴ - ۸۱۳).

آندره برتون می‌گوید که فریاد به عنوان مثال محکومی را ذکر می‌کند که روز شنبه به پای چوبه‌ی دار می‌برند و او فریاد می‌زد:

«به به! چه هفته خوبی! از شنبه اش پیداست!» طنز سبب می‌شود مصرف نیروئی را که درد و رنج

به ما تحمیل می‌کند صرفه‌جویی کنیم و از این نظر دارای «ارزش متعالی» است. (همان: ۸۱۴).

طنز ویران‌کننده جنبه‌های عادی هستی است، روح را از افق‌های عادی خویش جدا می‌کند و به راه دیگری می‌اندازد و برای رودرروئی با واقعیت دیگری آماده می‌کند که دو جنبه منفی و مثبت در میان است. نخست باید واقعیت را ویران ساخت تا واقعیت تازه‌ای از آن پدید آید که اولی فقط پوسته سطحی آن بود. (همان: ۸۱۸-۸۱۶) «طنز نوعی بی‌علاقگی به واقعیت خارجی را ایجاب می‌کند و دیدگاه کسی است که غوغای جهان را از بالکن خانه‌اش تماشا می‌کند» (همان: ۸۱۴).

۲-۲-۴- کشف و شهود به جای خرد

نوشته‌های سوررئالیستی کاملاً مخالف عقل و منطق است زیرا مستقیماً از ضمیر ناخودآگاه

سرچشمه می‌گیرد. از دیدگاه سوررئالیست‌ها فرد قادر نیست همه حقایق را درک کند. به خاطر همین تفکر است که تمام ارزش‌های مقابل خرد، بر آن ترجیح پیدا می‌کند. رویا، تخیل، دیوانگی، خلاف اخلاقی‌گری جاری، سنت‌های قابل احترام اجتماعی و ادبی و ضمیر پنهان جایگاه ارزشمندی در سوررئالیسم پیدا می‌کند و جای منطق را بی‌منطقی، نظم را بی‌انضباطی، ترتیب و آداب را هرج و مرج، دینداری را بی‌دینی می‌گیرد. آنان از کسانی که تکیه‌گاهشان بر کنترل عقل باشد، انتقاد می‌کنند. همچنین سوررئالیست‌ها ظاهراً عشق را می‌پرستند، چون در نقطه‌ی مقابل خرد است. (اسمعیلی پورلوکلایه، ۱۳۹۰: ۳۹).

۲-۲-۵- لحظه‌ی روانی

تصویر سوررئالیستی از لحظه‌ی روانی سخن می‌گوید، لحظه‌ای که بسیار برق‌آساست و مانند خواندن نامه‌ای در نور صاعقه‌ای است. بنابراین سوررئالیست‌ها بیان عقلی و منطقی را برای به تصویر کشیدن آن لحظه ناتوان می‌شمارند و سعی می‌کنند بیش از آنکه عقل، آن را معنا کند، به تصویرگری آن بپردازند. (همان: ۴۴). «لحظه روانی، آکنده از تناقض و هذیان است، جرقه‌ای است که چشم عقل و عادت را می‌زند. بنابراین تصویر مولفه‌ای است درهم آمیخته از پاره‌های گریزان ناساز». (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۰۸).

۲-۲-۶- اشیا و مکان‌های فرا واقعی

ارتباط هنرمند سوررئال با دنیای وهم و رؤیا و دیوانگی منجر به ارتباط او با اشیا و مکان‌های فراواقعی می‌شود. در رؤیا و دیوانگی، انسان با دنیایی آشنا می‌شود که موجودات و مکان‌ها ناشناخته‌اند. در این حالت پای قدرت‌های عجیب به درون جهان واقعی باز می‌شود. (برتون، ۱۳۸۱: ۸۸). تصاویر نامحدود در وضعیت فراواقعی زمان را متوقف می‌کنند و ما را با زمانی سرمدی مواجه می‌کنند؛ گویی این تصاویر متعلق به عالم اعیان ثابته و عالم امرند. (اسدی و بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

۲-۲-۷- عشق

عشق در سوررئالیسم مبنای فعالیت است و امکان آزادی توهمات را فراهم می‌کند. عشق کاشف ذات است و جنبه‌ای انقلابی و عصیان‌گرانه دارد؛ چرا که انسان را از محرمات و قید و بندهای که جامعه با تکیه بر ارزش‌های غیر حقیقی الزام می‌کند، رها می‌سازد. عشق مبنایی است که حرمت‌ها را خوار می‌نماید و باعث لذت بردن از ویرانی‌ها می‌شود و در اصل عصیان در برابر قانون صوری است. (آدونیس، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۳۵).

۲-۲-۸- غبارروبی ادراک

غبار عادت، دید ما را به روی حقیقت می‌بندد و ما از شگفتگی و حیرت که باعث تأمل می‌شود، دور می‌کند. هنرمند سوررئال، تصویر امور تکان‌دهنده را وسیله‌ی ایجاد هیجان‌های شدید می‌داند در نتیجه از جهان واقعی که آمیخته به ابتذال عادت است، دوری می‌گزیند و در اشعار خود از تصاویری که از عوالم درون است، بهره می‌جوید. (اسمعیلی‌پور لوکلایه، ۱۳۹۰: ۴۰).

«شاعران حقیقی ما را «به خلاف آمد عادت» می‌خوانند، آنان عادات ما را نوازش نمی‌کنند و ما را به گله راه بر نمی‌شوند، بلکه به فطرت حقیقی انسانی‌مان فرا می‌خوانند تا با همه چیز رو به رو شویم و پرسش کنیم» (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

۲-۳- اهداف سوررئالیسم

«هدف واقعی سوررئالیسم پایه‌گذاری یک جنبش ادبی و هنری یا حتی یک مکتب فلسفی جدید نبود، بلکه بیش از هر چیزی در هم شکستن نظام نامطلوب جامعه و دگرگون کردن زندگی را دنبال می‌کردند» (حسنی، ۱۳۷۴: ۵۴۱). سوررئالیسم در پی رسیدن به حقیقت برتر است، می‌خواهد قید و بندها را در هم شکند و به حقیقتی که برتر از این نمونه‌های غیر حقیقی است برسد. (فاطمی، ۱۳۵۷: ۲۸۶). بدین‌گونه سوررئالیسم با گذشتن از پوسته ظاهری خودآگاهی به درون و ناخودآگاه و با استفاده از روش آزادانه نوشتن خود به خود به جوهر شعر می‌رسد و شاعر سوررئالیست در دنیای بدون حد و مرز گام بر می‌دارد. (همان: ۲۸۷)

«سوررئالیسم به هدف اساسی خود که همان غایت تصوف است، می‌رسد؛ یعنی وحدت تناقض‌ها یا «وحدت وجود» یگانگی ذهن با عین و عالم بیرونی با معرفت درونی. رویا با عمل در تعارض نخواهد بود؛ زیرا که تمام عناصر خود را از واقعیت می‌گیرد». (آدونیس، ۱۳۸۵: ۶۹). «هدف سوررئالیسم، در آغاز عصر مدرن، بیدار ساختن انسان با دیدی تازه به اشیا دو جهان بود. این کار از طریق برآشتن ذهن و شگفت‌آفرینی و دیدار با مجهول امکان‌پذیر است و مایه‌ی حیرت می‌شود. حیرت که از اصول اساسی جهان‌شناسی سوررئالیسم است به اندیشه، تازگی و نشاط و پویایی می‌بخشد و چشم را به اعماق جهان غنی و سرشار می‌گشاید». (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۰۴).

۲-۴- سپهری

سهراب سپهری در ۱۵ مهر ۱۳۰۷، در شهر کاشان به دنیا آمد. پدرش «اسدالله سپهری» کارمند اداره پست و تلگراف بود و به هنر و ادب علاقه داشت: «نقاشی می کرد، تار می ساخت، تار هم می زد، خط خوبی هم داشت» مادر سپهری «ماه جبین سپهری» بود سپهری او را بسیار دوست می داشت. «مادری دارم، بهتر از برگ درخت» (عابدی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵).

دوره‌ی کودکی سپهری، نقاش در کاشان گذشت. دوره‌ی ابتدائی را در «دبستان خیام» این شهر گذرانید. دانش آموز منضبط، منظم، خوش خط و درس خوانی بود. (عابدی، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۶). پس از پایان دوران دبیرستان، در آذرماه ۱۳۲۵ به استخدام آموزش و پرورش کاشان درآمد. در شهریورماه ۱۳۲۷ استعفا داد و در خرداد ماه ۱۳۳۲ در سازمان همکاری بهداشت، و در آذرماه همان سال در اداره‌ی کل هنرهای زیبا و تدریس در هنرستان‌ها مشغول به کار شد.

سپهری همان قدر که شاعر بود نقاش هم بود، و طبعاً شاعری نبود که از سر تفنن نقاشی کند و در عین حال نقاشی هم نبود که برای تفریح شعر بسراید. سپهری اساساً انسانی متنفن نبود. (مرادی کوچی، ۱۳۸۰: ۱۷) در خردادماه سال ۱۳۳۲ دوره‌ی لیسانس را در رشته نقاشی به پایان رساند و حائز رتبه‌ی اول شد و به دریافت نشان درجه اول علمی نایل شد. (ترابی، ۱۳۸۲: ۵).

او در نقاشی نام‌آور شد و در آن روزها «اکثر تابلوهای خود را به دوستداران این هنر هدیه می داد و اگر کسی صحبت قیمت و یا پیشنهاد پرداخت وجهی را به او می کرد، ناراحت می شد و می گفت فروشی نیست» (عابدی، ۱۳۸۴: ۲۷). روح سرکش سپهری او را به این جا و آنجا می کشاند تا آرام بگیرد. و کوشید آشوب درونی خود را با «سفر» به دور دنیا تسکین دهد. (مرادی کوچی، ۱۳۸۰: ۱۷).

او مجموعه‌ی هشت کتاب خود را که شامل هشت دفتر (مرگ رنگ، آوار آفتاب، زندگی خواب‌ها، شرق اندوه، صدای پای آب، مسافر، حجم سبز، ما هیچ ما نگاه) می شود، در سال ۱۳۵۵ از طریق انتشارات طهوری گرد آورد. در سال ۱۳۵۸ به بیماری خود پی برد، سرانجام ساعت ۶ بعد از ظهر اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹، روح سپهری به ابدیت می پیوندد و او را در صحن «امامزاده سلطان علی» دهستان «مشهد اردهال» به خاک سپردند. (سپهری، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

«سپهری شاعر مردم نیست، شاعر دوران رو به انقراض فتودالی است با فکر فتودالی هنر برای هنر و شعر به خاطر شعر» (نقی پور، ۱۳۸۳: ۴۸).

Family name: Kodapanahi	Name: Elham
Topic: The Components of surrealism in poems Bidel Dehlavi & Sohrab Sepehri	
Supervisor: Dr. Bizhan Zahiri nav	
Advisor: Dr. Hossein Novin	
Graduate Degree: M.A.	
Major: Persian Language and Literature course	Specialty: Resistance Literature
University: Mohaghegh Ardabili	Faculty: Literature and Humanities
Graduation date:	Number of pages:91
Abstract:	
<p>Sepehri's resemblance to Abdul Qadir Bidel is more than the others, and this resemblance is such that Sefari's poetry of the Sea of Revelation accurately influences the unpredictable influence of Bidl's language, content, and surrealism, indicating that Sepiri's poetry is due to his acquaintance with Western literature and schools, and Also, the interest and familiarity with Oriental mysticism is unique in light colors and smells. Particular attention to natural elements and the assignment of abnormalities to ordinary objects and the pursuit of transcendence in all of his systems are ongoing. Sepehri's mental and exploratory approach has led him to the unimaginable, and his poetry is full of surrealistic effects. Biddle's poetic style is also very similar to those of the writers of the Surrealism school. We do not say that he is surrealist, but the spells of the ideas of this school can be retrieved in his poems. On the other hand, given that Sepehri was influenced by Zen Buddhism, William Ballik's poems (English, and surrealism in France in his poetry script, he developed and followed a particular style, it seems that his study of his poetry on surrealist aspects is one of the most important factors Which can help us provide a precise view of Sepehri poems.</p>	
Keywords: Surrealism School, Bidl Dehlavi's Sonnets, Sohrab Sepehri, Deadly Meanings.	



University of Mohagheh Ardabili
Faculty of Literature and Humanities
Department Persian Language and Literature

Thesis is approved for the degree of M.A.
In University of Mohagheh Ardabili

Title:

The Components of surrealism in poems Bidel Dehlavi & Sohrab Sepehri

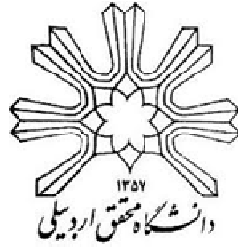
By:

Elham Khodapanahi

Evaluated and approved by thesis committee as:

Name & Family	Degree	Responsibility	Signature
B. Zahiri nav		Supervisor & Chairman	
H. Novin		Advisor	
Kh. Asadollahi		Referee	

September – 2017



University of Mohagheh Ardabili

Faculty of Literature and Humanities

Department of Persian Language and Literature

**Thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of
M.A. in Resistance Literature Persian and Literature**

Title:

**The Components of surrealism in poems Bidel Dehlavi &
Sohrab Sepehri**

Supervisor:

Ph.D Bizhan Zahiry Nav

Advisor:

Ph.D Hossein Novin

By:

Elham Khodapanahi

Summer 2017